

آیا قرآن تحریف شده است؟

پرسش: ظاهراً و بنا بر یکی از روایتهای تاریخی، پس از رحلت حضرت رسول اکرم تا زمان خلیفه سوم، متن قرآن بصورتی که امروز در دست ما است، جمع آوری نشده بود. هر چند که گفته می شود در زمان حیات پیامبر اسلام نیز آیات و سوره ها گاه نوشته می شده اند، اما احتمالاً تدوین نهایی متن و ترتیب آیات و سوره ها، آنچنان که امروز وجود دارد، مربوط به دوره خلیفه سوم است. بر اساس منابعی که تاریخ جمع آوری قرآن را نوشته اند، ظاهراً در آن زمان اختلاف هایی نیز وجود داشته و مطابق قاعده ای که عثمان برای جمع کردن کتاب گذاشته بود، ضرورت وجود دو شاهد برای هر آیه را ایجاب می کرد، برخی آیه ها و یا سوره ها یی که اصحاب نزدیک به پیامبر ذکر می کردند اما شاهد نداشتند، کنار گذاشته شد و همچنین ظاهراً برخی سوره ها و آیات در متن ذکر شد که در آنها اختلاف بود اما به دلیل وجود دو شاهد در متن گنجانده شد. گفته می شود عثمان برای ذکر هر آیه، جایزه ای در نظر گرفته بود و به همین دلیل ممکن است برخی افراد با یکدیگر تبانی کرده و برای گرفتن جایزه، عبارتهایی را به عنوان آیه در نزد عثمان برده باشند. برای نمونه گفته می شود برخی از عبارتهایی را که عایشه به عنوان آیه نقل می کرد، کنار گذاشته شد و یا آیاتی به متن اضافه شد که فرضاً ابن عباس آنرا جز قرآن نمی دانست. پرسش این است که با توجه به اسناد موجود، روایت شما از مرحله تدوین قرآن چیست؟ آیا ماجرای تدوین و جمع آوری متن، نمی تواند شائبه تغییر و تحریف در متن را ایجاد کند؟ چگونه می توان اطمینان داشت که متن، حتی در همان زمان هم تحریف نشده است؟

عبدالعلی بازرگان: به نظر بنده، این خطای فاحشی است، اگر در بررسی نحوه تدوین قرآن، از منظر انسان مدرن امروز، که در هزاره سوم با کتاب و کامپیوتر در کلان شهرها زندگی می کند، به مسئله نگاه کنیم و عوامل زمان و مکان و مناسبات میان متن و مومنین اولیه را در چهارده قرن قبل نا دیده بگیریم.

بیشتر کارشناسان غربی که در باره نحوه تنظیم و تدوین قرآن، به نیت کشف حقیقت یا اهداف دیگر، تحقیق می کنند، و تبع آنها برخی قرآن پژوهان مسلمان (به شناسنامه یا شناخت)، که در فضا و فرهنگ کتبی این روزگار با صدها دغدغه و مشغولیت فکری تنفس می کنند، آزاد ذهنی و ابعاد فرهنگ شفاهی و توان حفظ

مطالب را در فرهنگی که شعر و شاعری حرف اول را می زده و قرآن شعرگونه سروده شده، از یاد می برند و از عینک امروز به جامعه قبیله ای دیروز نگاه می کنند.

بگذارید ابتدا چند واقعیت را مطرح کنم تا بیشتر فضای زمان نزول قرآن را احساس کنیم:

۱- قرآن های معمولی بیش از ۶۰۰ صفحه دارد، برای ما فارسی زبان ها یا غربی ها، تصور حفظ کردن چنین حجمی فوق العاده دشوار می آید، اما به این واقعیت توجه نداریم که قرآن در طول ۲۳ سال نازل شده و مسلمانان ناگهان با یک کتاب مواجه نشده بودند تا بخواهند آن را حفظ کنند. شما اگر ۲۳ سال را در تعداد روزهای سال ضرب کنید، و آنگاه با تعداد ۶۲۳۶ آیه قرآن (صرفنظر از اختلاف مختصر شمارش های کوفی و بصری و...) مقایسه کنید، خواهید دید که به طور متوسط هر روز کمتر از یک آیه برای مسلمانان معاصر پیامبر نازل شده است!

۲- نخستین ایمان آورندگان با این کلمات زندگی می کردند، همه حیات وهویتشان بود، به خاطر آن از شهر و دیارشان آواره می شدند، شکنجه می شدند، شهید می شدند، ارتباط آنها با این متن، که در نمازهای پنجگانه یومیه حداقل ۱۰ بار پس از حمد، سوره ای از قرآن را می خواندند، و پاره ای از آنها، ثلث شب، نیمی از آن و حتی بیش از آن را به تبعیت از رسولشان در راز و نیازهای شبانه خود تکرار می کردند، زمین تا آسمان با ارتباط اکثریت مسلمانان شناسنامه ای امروز با قرآن که این آرمان و عقیده را از پدرانشان به میراث برده اند فاصله دارد، با اینحال می خواهیم درباره امانت داری آنها در حفظ چیزی که از جان خود و فرزندان شان بیشتر دوست داشتند تردید کنیم؟ می گویند هرکسی از ظن خود شد یارمن، ما با ظن و گمان و ذهنیات خود نسبت به قرآن می خواهیم درباره حمل و حفظ قرآن در ضمیر و زبان مسلمانان صدر اسلام، با بستن چشم خود به روی واقعیت های آنزمان داوری کنیم.

۳- مسلمانان اولیه که به تدریج و تانی جرعه جرعه از جام جلال و جمال حق نوشیده بودند، یا همه آنچه در طول ۲۳ سال آموخته بودند از حفظ بودند، یا قسمتی از آنرا در حافظه داشتند و یا در اثر تکرار روزانه آیات، به توصیه قرآنی که: "تا آنجا که برایتان میسر است قرآن را بخوانید" (فاقرؤا ماتیسر من القرآن- مزمل ۲۰) به آن اشراف داشتند، به گونه ای که اگر کسی آیه ای را اشتباه می خواند، بلافاصله تذکر می دادند. برای فهم بهتر این توانائی، شما میتوانید جمعی از فارغ التحصیلان رشته ادبیات را در نظر بگیرید که فرضاً در مجلسی کسی شعری از حافظ را به اشتباه بخواند، آیا ممکن است هیچیک از آنان تذکری ندهد؟ با این تفاوت که

اینها فقط چهار سال با دهها شاعر و هزاران شعر سر و کار داشته اند، اما آنها ۲۳ سال فقط با یک کتاب، کدام آسان تر است؟ امروز نیز اگر مسلمانی روزی تنها یک صفحه از آن را با توجه به معنایش بخواند، کاملاً کلام قرآن را از غیر آن تشخیص می دهد.

۴- تصویر تشکیک کنندگان غربی از قرآن، کتابی را که مسلمانان ۲۳ سال با جان و دل در فضای آن تنفس کرده بودند، آنچنان غریب نشان می دهد که به نقل شما، برخی سوره ها و آیاتی که حتی اصحاب نزدیک پیامبر و همسراو عایشه هنگام تدوین قرآن، ذکر می کردند، به دلیل نداشتن شاهد کنار گذاشته شده است! و برعکس، آیاتی با وجود اختلاف، به صرف این که دو شاهد داشته، در متن گنجانیده شده است! ادعای ناشیانه تر این که چون عثمان برای ذکر هر آیه جایزه ای در نظر گرفته بوده، کسانی جعلیاتی داخل کتاب کرده اند!! همه این تیر در تاریکی زدن های بی خبرانه در شرایطی است که در آن زمان حمیت و حضور ذهن مسلمانان نسبت به جزئیات قرآن به آن حد بود که معروف است ابوذر غفاری از این که عثمان یک "واو" را در ابتدای آیه ۳۴ سوره توبه (والذین یکنزون الذهب والفضه...) در قرآئت جا انداخته بود، سخت بر خلیفه برآشفته بود که با حذف این حرف، ارتباط آن با آیه قبل حذف می شود.

۵- قرآن، نه تنها بر دوش حافظه تیز و تشنه مسلمانان اولیه حمل می شد، بلکه در همان زمان نزول توسط کاتبین وحی، که تعداد و اسامی آنان در تاریخ مضبوط است، روی پوست آهو، کتف شتر و سطوح مشابه ثبت و ضبط می گردید که هزاران قطعه آن اینک با کشفیات مسجد صنعا و اماکن دیگر در دسترس محققین است. پس چنین نیست که خلیفه سوم فقط به دو شاهد توسل جسته باشد.

۶- ما اغلب فراموش می کنیم که صنعت تولید کاغذ و چاپ کتاب در روزگاران بعد از نزول قرآن جهانی شده است و تا قرآنی کاغذی به شکل قرآن های امروزی میان دو جلد نبینیم، باور نمی کنیم از ابتدا چنین سامانی داشته است! وقتی هم قطعاتی از آن کشف می شود، چون شامل ۱۱۴ سوره نیست، کسانی همین را وسیله ساختارشکنی می کنند. اما اگر قرار بود سوره ها و آیات نوشته شده روی آن سطوح حجیم را کنار هم می گذاشتند، حجم، یک اطاق را اشغال می کرد!

۷- اعراب نخستین، در قراءت قرآن نیازی به نقطه و اعراب گذاری نداشتند و با یک نگاه، اگر سواد داشتند، آن را می فهمیدند، نیاز به چنین تدابیری برای تسهیل در قرائت، موقعی احساس شد که سیل تازه مسلمانان نا

آشنا به زبان عربی از اطراف و اکناف به سوی اسلام جاری شد و عثمان که با این معضل مواجه شده بود، به این مهم همت گماشت.

۸- مهم ترین انگیزه تدوین رسمی و حکومتی قرآن در زمان عثمان، آنچنانکه نقل کرده اند، کشته شدن تعداد کثیری از حافظان قرآن در جنگ های جاری و نگرانی خلیفه از آینده، در صورت بروز تداوم این شهادت ها بوده است، این نگرانی چندان هم بی مورد نبوده است؛ گفته می شود که در جنگ جمل در زمان خلافت امام علی^(ع)، هفتاد حافظ قرآن در حمایت از عایشه مقابل شتر او کشته شدند. تهیه چند نسخه رسمی و تایید شده از ناحیه خلیفه و ارسال آن به شهرهای اصلی عربستان برای مراقبت و محافظت مطمئن تر، در واقع نه سامان دادن به امری پریشان و پرابهام، بلکه پیش گیری از یک خطر احتمالی بوده است.

۹- حضور قرآن شناسان عالیقدری همچون امام علی^(ع) در شورای عثمان، که شخصیتش از ۹ سالگی در محضر قرآن شکل گرفته بود، و ایراد نگرفتن آنها و بقیه امت به آنچه تدوین شده بود، آیا گواه دیگری بر صحت نسخ رسمی نیست؟ اگر اشکالی در قرآن رسمی وجود داشت، چرا هیچکدام از اهل بیت پیامبر در دوران بعد، انتقاد و اعتراضی مطرح نکردند و خود همان قرآن را می خواندند و تدریس می کردند.

۱۰- به رغم این تشکیک ها و تردیدها، اهل ایمان، اگر هم اطلاعی از نحوه شکل گیری قرآن نداشته باشند، به این وعده محکم قرآنی باور دارند که: "ما خود این ذکر را فرستاده ایم و خود نیز محافظ آن هستیم" إِنْ أَرْسَلْنَا إِلَيْكَ الْبُرْجَانَ فَقَالَ مَا نَحْنُ إِلَّا الْبَشَرُ الْأَوَّلُونَ (حجر ۹). نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ (حجر ۹).